



Typology of Imam Ali interpretive Narrations with Emphasis on Narrative Interpretation of Noor al-Thaqalain

Yahya Nourmohammadi Najafabadi¹
Mohammad Reza Nourmohammadi Najafabadi²
Akram Hajian³

Received: 06/12/2021

Accepted: 08/06/2022

Abstract

Imam Ali as the Imam of the interpreters is one of the greatest and foremost great commentators of the Holy Qur'an. Many narrations about the Holy Qur'an and the interpretation of verses from Imam Ali have been narrated in narrative and interpretive sources, including the valuable interpretation of Noor al-Thaqalain. Given the multiplicity of these narrations, the question arises as to whether all of these narrations are the same or different types. Through examining the interpretive narrations narrated from Imam Ali, it becomes clear that the narrations of that Imam about the verses of the Qur'an are of different types and various functions can be seen in the interpretive narrations of the Imam. Considering the types of interpretive narrations of Imam Ali has a significant role in facilitating and increasing the use of these narrations in understanding the content and meanings of the verses of the Holy Quran. Rather, in some

-
1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran (Corresponding Author). Normohamadi126@gmail.com.
 2. Associate Professor, Department of Education, School of Medicine, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran. noormohammadi33@yahoo.com.
 3. Islamic Seminary Student in level three, at Specialized Center for the Interpretation and Sciences of the Qur'an, Fatemeh Al-Zahra Khomeini Shahr. Iran. normohamadi2354@anjomedu.ir.

* Nourmohammadi Najafabadi, Y., & Nourmohammadi Najafabadi, M. R., & Hajian, A. (1401 AP). Typology of Imam Ali interpretive Narrations with Emphasis on Narrative Interpretation of Noor al-Thaqalain. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 4(11), pp. 68-97.

DOI: 10.22081/JQSS.2022.62618.1154

cases, not paying attention to the differences in types and functions in interpretive narrations leads to misunderstanding and misinterpretation of Qur'anic verses. What has been achieved by the descriptive-analytical method of examining the types of narrations of Imam Ali's interpretation with emphasis on Noor al-Thaqalain interpretation include illustrating the space of revelation, verbal clarification, conceptual clarification, rational interpretation, jurisprudential interpretation, scientific and experimental interpretation, practical interpretation, allegorical interpretation, interpretation of Mutashabih verses, explanation of allusions, event interpretation, interpretation of Qur'an to Qur'an.

Keywords

Typology, narrations, Imam Ali, Tafsir Noor al-Thaqalain, interpretive narrations.

تصنيف روايات الإمام علي عليه السلام التفسيرية مع التركيز على تفسير نورالثقلين الروائي

يحيى نورمحمدي نجف آبادي^١ محمدرضا نورمحمدي نجف آبادي^٢

أكرم حاجيان^٣

تاريخ الاستلام: ٢٠٢١ / ١٢ / ٠٦ تاريخ القبول: ٢٠٢٢ / ٠٦ / ٠٨

الملخص

يعد الإمام علي عليه السلام، بصفته إمام المفسرين، من أعظم المفسرين وأكثرهم تقدماً على القرآن الكريم. تم نقل العديد من الروايات حول القرآن الكريم وتفسير الآيات القرآنية من الإمام علي عليه السلام في المصادر الروائية والتفسيرية، بما في ذلك تفسير نورالثقلين القيم. بالنظر إلى تعدد هذه الروايات، فإن السؤال الذي يطرح نفسه هو ما إذا كانت كل هذه الروايات من نفس النوع أم أنها أنواع مختلفة. بدراسة الروايات التفسيرية عن الإمام علي عليه السلام، يتضح أن روايات ذلك الإمام عن آيات القرآن مختلفة الأنواع ويمكن رؤية وظائف مختلفة في روايات الإمام التفسيرية. وبالطبع فإن النظر إلى أنواع الروايات التفسيرية للإمام علي عليه السلام له دور كبير في

١. أستاذ مساعد، قسم المعارف الإسلامية، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة ملاير، ملاير، إيران (كاتب المسؤول).
Normohamadi126@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم المعارف الإسلامية، كلية الطب، جامعة شهرکرد للعلوم الطبية، شهرکرد، إيران.
noormohammadi33@yahoo.com

٣. طالبة على مستوى ثلاثة (ماجستير)، مركز فاطمة الزهراء المتخصص لتفسير وعلوم القرآن، نجف، إيران.
normohamadi2354@anjamedu.ir

تسهيل وزيادة استخدام هذه الروايات في فهم محتوى ومعاني آيات القرآن الكريم، ولكن في بعض الحالات، عدم الالتفات لهذا التصنيف والاختلاف في الوظائف في الروايات التفسيرية، فإنه يسبب أخطاء في فهم وتفسير آيات القرآن. إن ما تم تحقيقه بالمنهج الوصفي التحليلي، من دراسة أنواع الروايات التفسيرية للإمام علي عليه السلام مع التركيز على تفسير نور الثقلين، هو: رسم فضاء نزول الوحي، والتفسير اللفظي، والتفسير المفاهيمي، والتفسير العقلائي، والتفسير الفقهي، والتفسير العلمي والتجريبي، والتفسير العملي، والتفسير الاستعاري، تفسير المتشابهات، تبين الإشارات، تفسير الأحداث، تفسير القرآن للقرآن.

المفردات المفتاحية

التصنيف، الروايات، الإمام علي عليه السلام، تفسير نور الثقلين، الروايات التفسيرية.

گونه‌شناسی روایات تفسیری امام علی علیه السلام با تأکید بر تفسیر روایی نورالثقلین

یحیی نورمحمدی نجف‌آبادی^۱ محمدرضا نورمحمدی نجف‌آبادی^۲ اکرم حاجیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

چکیده

امام علی علیه السلام به‌عنوان امام‌المفسرین از بزرگ‌ترین و مقدم‌ترین مفسران بزرگ قرآن کریم است. روایات فراوانی درباره قرآن کریم و تفسیر آیات از حضرت علی علیه السلام در منابع روایی و تفسیری، از جمله تفسیر ارزشمند نور الثقلین نقل شده است. با توجه به تعدد این روایات، این پرسش مطرح می‌شود که آیا همه این روایات یکسان هستند یا گونه‌های مختلف‌اند. با بررسی روایات تفسیری نقل شده از امام علی علیه السلام روشن می‌گردد روایات آن حضرت علیه السلام درباره آیات قرآن از گونه‌های مختلفی برخوردار است و کارکردهای گوناگونی در روایات تفسیری حضرت علیه السلام قابل مشاهده است. ملاحظه و توجه به گونه‌های روایات تفسیری امام علی علیه السلام، نقش قابل توجهی در تسهیل و فزونی بهره‌گیری از این روایات

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول).

Normohamadi126@gmail.com

۲. دانشیار گروه معارف، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

noormohammadi33@yahoo.com

۳. طلبه سطح سه مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن فاطمه الزهراء علیها السلام خمینی شهر، ایران.

normohamadi2354@anjmedu.ir

* نورمحمدی نجف‌آبادی، یحیی؛ نورمحمدی نجف‌آبادی، محمدرضا و حاجیان، اکرم. (۱۴۰۱). گونه‌شناسی روایات تفسیری امام علی علیه السلام با تأکید بر تفسیر روایی نورالثقلین. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم و قرآن، ۴(۱۱)، صص ۶۸-۹۷.
DOI: 10.22081/JQSS.2022.62618.1154

در فهم محتوا و مفاد آیات شریفه قرآن کریم دارد، بلکه در پاره‌ای موارد، عدم توجه به تفاوت گونه‌ها و اختلاف کارکردها در روایات تفسیری، سبب اشتباه در فهم و تفسیر آیات قرآن می‌شود. آنچه با روش توصیفی - تحلیل از بررسی گونه‌های روایات تفسیر امام علی علیه السلام با تأکید بر تفسیر نور الثقلین به دست آمد، عبارت‌اند از: ترسیم فضای نزول، ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی، تفسیر عقلی، تفسیر فقهی، تفسیر علمی و تجربی، تفسیر عملی، تفسیر تمثیلی، تفسیر متشابهات، تبیین اشارات، تفسیر رویدادی، تفسیر قرآن به قرآن.

کلیدواژه‌ها

گونه‌شناسی، روایات، امام علی علیه السلام، تفسیر نورالثقلین، روایات تفسیری.

مقدمه و طرح مسئله

قرآن کریم بزرگ‌ترین معجزه پیامبر خدا، حضرت محمد ﷺ است که در میان کتب آسمانی، به سبب جامعیت، جهان‌شمولی، جاودانگی و اعجازی که دارد، بدون تحریف تا قیامت، رسالت هدایت بشر را در همه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی، مادی و معنوی، به‌سوی قله‌های سعادت و رستگاری بر عهده دارد. از قرن نخست نزول قرآن تا کنون تفاسیری بی‌شماری برای قرآن کریم تدوین گشته است. تفاسیری که تدوین یافته است، انواع مختلفی دارد که یکی از آنها «تفسیر روایی قرآن» است که براساس روایات معصومان آیات قرآن تفسیر شده است، یعنی بهره‌گیری از سخنان و سیره معصومان علیهم‌السلام و دخالت‌دادن آن در جریان فهم کلام الهی، خواه به‌صورت ایجابی (دستیابی به قرینه‌های جانبی و زوایای پیدا و نهان سخن خداوند)، و خواه به‌صورت سلبی (رد کردن برداشت‌های نادرست و زدودن موانع درک مقصود حقیقی و نهایی خداوند) (مسعودی، ۱۳۹۵، ص ۱۶). امام علی علیه‌السلام از پیشگامان و نخستین کسانی است که بعد از رحلت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقام تفسیر قرآن، به امر تبیین معضلات معنایی و مشکلات تفسیری و روشن‌نمایی مفاد آیات قرآن پرداخت. عناوین و القابی برای حضرت علی علیه‌السلام مانند «امام المفسرین» و «صدرالمفسرین» و «کلام‌الله‌الناطق» (شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۴، صص ۹۵-۱۵۳)، حکایت از مقام والا و ارجمند آن حضرت در تفسیر قرآن کریم دارد؛ چراکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام برجسته‌ترین شخصیت علمی‌ای بود که غالب صحابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از رحلت آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مسائل مهم و پیچیده معارف و علوم اسلامی و قرآنی، به دلیل انس و ممارست دائمی آن حضرت علیه‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نوشیدن زلال علم و معارف از دریای بیکران علوم نبوی، به ایشان مراجعه می‌کردند (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۱؛ علوی‌مهر، ۱۳۸۴، ص ۵۸؛ رضائی، ۱۳۹۰، ص ۵۹). حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «آیه‌ای بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل نشد، جز اینکه برای من خواند و املاء فرمود و من به خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۴). سیوطی درباره این موضوع می‌نویسد: «خلفای اربعه نخستین مفسران قرآن هستند؛ ولی روایات نقل شده از سه تن از خلفای راشدین بسیار اندک می‌باشد و

اما آنچه از علی نقل شده بسیار است و از ابن مسعود نقل می‌کند که قرآن ظاهری دارد و باطنی و باطن و ظاهر آن نزد علی است» (سیوطی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۳۳). محصول و نتیجه انشاد علوم و معارف قرآنی توسط حضرت علی علیه السلام، حجم قابل توجهی از روایات است که در ذیل آیات شریفه قرآن کریم به تبیین مراد حقیقی خداوند در آیات مجمل، و روشن‌نمایی معانی و محتوای آنها و تعیین قیود و تخصیصات آیات مطلق و عام می‌پردازد که اصطلاحاً به آنها روایات تفسیری حضرت علی علیه السلام گفته می‌شود (رستم‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۳۰). روایات تفسیری و پیوند مؤثر آنها با کشف، ابهام‌زدایی و روشن‌نمایی معانی و تفسیر آیات قرآن (راغب، ۱۳۸۷، ص ۵۸۶؛ ابن‌فارس، ۱۳۹۰، ص ۵۰۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۴؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۷۶)، کمک قابل توجهی به مفسران در نیل به فهم صحیح آیات قرآن کریم و شناخت دقایق و لطایف معانی و نکات آیات، عمق‌بخشیدن به تأثیرات تدبیر در قرآن و گسترش افق نگرش مفسر در نیل به بطون و حقایق عمیق قرآن و پرده‌برداری از چهره قرآن و کشف مدالیل و مقاصد کلام الهی می‌نماید (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۸)، به گونه‌ای که در پاره‌ای موارد مانند تشریح آیات احکام و تفصیل قصص قرآن و حوادث معاد، بدون مراجعه به روایات تفسیری، فهم صحیح از معنای آیات قرآن، امکان‌پذیر نیست (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳). روایات تفسیری از دو جهت قابل بررسی هستند:

الف) حجیت روایات تفسیری؛ ب) گونه‌ها و اقسام روایات تفسیری (معرفت، ۱۳۷۹، صص ۲۴-۲۷).

با مراجعه به منابع روایی و تفسیری، و ارزیابی و بررسی روایات وارد شده در ذیل آیات قرآن، روشن می‌گردد که این دست از روایات، دارای کارکردهای متفاوتی در تفسیر آیات هستند، از قبیل ترسیم فضای نزول، ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی، بیان مصداقی، بیان لایه‌های معنایی؛ بنابراین به گونه‌ها و اقسام مختلفی قابل تقسیم و تفکیک‌اند (وحدتی شیرازی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹). توجه به گونه‌های روایات تفسیری و نحوه تقسیم‌بندی آنها، تأثیر بسزایی در تسهیل و فزونی بهره‌گیری از این دست روایات به همراه دارد (رستم‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹)؛ از این رو لازم است تا به گونه‌شناسی روایات تفسیری و دستیابی به یک تقسیم‌بندی منظم و منسجم از آنها توجه ویژه شود. گونه‌شناسی

روایات تفسیری امام علی علیه السلام، اهمیت ویژه و برجسته‌ای در فهم درست از کلام الهی و آیات شریفه قرآن دارد؛ از این رو با توجه به اهمیت موضوع از یک سوی، و فقدان تحقیقی جامع در آن از سوی دیگر، انجام تحقیق و پژوهش درباره گونه‌شناسی روایات تفسیری امام علی علیه السلام را ضروری می‌نمایاند. در مقاله حاضر که پاسخی است به ضرورت فوق، در راستای پاسخ به این سؤال که انواع و گونه‌های روایات تفسیری امام علی علیه السلام کدام‌اند، پس از گردآوری روایات تفسیری حضرت علی علیه السلام به روش کتابخانه‌ای، به تفکیک و گونه‌شناسی اقسام آنها با روش توصیفی - تحلیلی خواهیم پرداخت. در گردآوری روایات تفسیری حضرت علی علیه السلام، بر تفسیر روایی جامع، ارزشمند و کم‌نظیر «نورالثقلین» (مشمول بر ۱۳۴۲۲ روایت) که توسط عبدعلی بن جمعه حویزی یا هویزی از فقها و محدثان شیعه قرن دوازدهم به نگارش درآمده و تلاش جامعی در گردآوری روایات تفسیری کرده است، تأکید خواهیم کرد؛ البته از آنجا که تفسیر نورالثقلین، به‌رغم جامعیت در گردآوری روایات تفسیری، از منابع متقدم و دست اول روایی و تفسیری به‌شمار نمی‌آید، برای اتقان منبع روایات، علاوه بر تفسیر نورالثقلین، آدرس روایات تفسیری امام علی علیه السلام را در منابع دست اول و متقدم نیز دنبال خواهیم کرد.

۱. پیشینه تحقیق

تا پیش از چند دهه اخیر، به‌رغم تلاش‌های خوبی که محققان و دانشمندان علوم و معارف قرآنی در جمع‌آوری روایات تفسیری صورت دادند، توجه جدی‌ای به گونه‌شناسی این دست از روایات نمی‌شد و این موضوع مورد غفلت واقع شده بود (رستم‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹)؛ اما در چند دهه اخیر توجه ویژه و نسبتاً مناسبی به این موضوع از طرف پژوهشگران علوم قرآنی صورت گرفته است و پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی در این باره انجام شده است؛ مانند مقاله «تحلیل گونه‌شناسی روایات تفسیری معصومین» که به قلم زینب وحدتی شبیری، در فصلنامه پژوهشی حدیث اندیشه، سال ۱۳۹۲، شماره پانزدهم به چاپ رسیده و مقاله «گونه‌ها و روش‌های امام علی علیه السلام در روایات تفسیری اهل سنت» که به قلم حسین خاکپور و احمد عابدی در پژوهش‌نامه علوی پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۲۱-۴۰ منتشر گردیده و مقاله «تفسیر آیات الاحکام در سخنان امام علی (علیه السلام)» که صمد عبداللهی عابد در پژوهش‌نامه علوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۶۱-۸۹ منتشر کرده و مقاله «گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری حضرت زهرا (علیها السلام)» که مجتبی نوروزی و مجید برادران در فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال ۱۳۹۳، شماره ۴۳ منتشر کرده‌اند و مقاله «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت» که به قلم مهدی مهریزی در مجله علوم حدیث، سال ۱۵، شماره اول، سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. کتاب پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین نوشته مهدی رستم‌نژاد، که در سال ۱۳۹۰ توسط مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (علیه السلام) و کتاب آسیب‌شناسی روایات تفسیری نوشته محمدتقی دیاری بیدگلی که توسط انتشارات سمت در سال ۱۳۹۱ منتشر گردیده است؛ اما به نظر می‌رسد آنچه جای آن در میان پژوهش‌های انجام شده، خالی است، تحقیق و پژوهشی جامع درباره گونه‌شناسی روایات تفسیری حضرت علی (علیه السلام) است، درحالی‌که روایات تفسیری امام علی (علیه السلام) در میان روایات تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) از جایگاه ممتازی برخوردار است.

۲. مفاهیم

گونه‌شناسی: بررسی انواع یک چیز را گونه‌شناسی آن چیز می‌گویند که در این مقاله مراد بررسی انواع روایات تفسیری است.

روایات تفسیری: روایاتی که ارتباط مستقیم با قرآن دارند، دو دسته‌اند: دسته نخست روایاتی‌اند که درباره قرآن‌اند؛ یعنی بیانگر ویژگی‌ها، فضایل سوره‌های قرآن، جایگاه قرآن، شأن نزول سوره‌ها و آیات قرآن، قواعد فهم قرآن، نسخ در قرآن، قرائت قرآن و دیگر موضوعات علوم قرآنی‌اند. دسته دوم روایاتی‌اند که درباره محتوای قرآن‌اند؛ یعنی به تفسیر آیات قرآن مربوط می‌شوند. به این دسته دوم روایات تفسیری می‌گویند. در اینجا شایسته است تفاوت روایت تفسیری با تفسیر روایی و تفسیر اثری روشن

گردد. برخی روایت تفسیری را این گونه تعریف کرده‌اند: حدیث تفسیری عبارت است از قول یا فعل یا تقریر معصوم یا گزاره‌ای از امور و شئون مربوط به معصوم که در پرتو آن جهتی از جهات معنایی قرآن مفهوم گردد. این تعریف شامل دسته‌های حدیثی مصطلح و غیرمصطلح می‌گردد. حدیث تفسیر مصطلح، شامل احادیثی می‌شود که نظر به آیه یا آیاتی خاص داشته باشد یا ناظر به قاعده‌ای کلی از قواعد فهم قرآن باشند. حدیث تفسیری غیرمصطلح عبارت است از حدیثی که در پرتو آن، جهتی از جهات معنایی آیه مفهوم گردد، بی‌آنکه حدیث، به‌طور خاص، ناظر به آیه یا آیاتی خاص، یا ناظر به قاعده‌ای کلی از قواعد فهم قرآن باشد (مهریزی، ۱۳۸۹، صص ۵-۶).

برخی دیگر، روایت تفسیری را این گونه تعریف کرده‌اند: مقصود از احادیث تفسیری، احادیثی است که به شأنی از شئون آیات قرآن کریم مربوط باشد؛ خواه به نزول آن مربوط باشد یا به قرائت آن یا به بیان معانی ظاهری آن پردازد یا به معانی باطنی آن، به تنزیل آیات برگردد یا به تأویل آن (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۶).

تعریف سوم از روایت تفسیری چنین است: روایت تفسیری، روایتی است که بخشی از آیه، در آن مذکور باشد یا روایت، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه، در حدیث، مذکور نیست، اما حدیث به بیان خداوند در آن آیه پرداخته یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۷).

تفسیر روایی، به کتاب‌هایی گفته می‌شود که مؤلفان آنها، روایات را به ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن، گرد آورده‌اند، از قبیل تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی، تفسیر برهان و... .

تفسیر اثری به کتاب‌هایی گفته می‌شد که مؤلفان آنها، آیات قرآنی را بر پایه روایت (اثر) توضیح داده و تفسیر کرده‌اند، مانند تفسیر الصافی و تفسیر لاهیجی (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۷).

البته در بیشتر نوشته‌ها، دو عنوان تفسیر اثری و تفسیر روایی، به یک معنا به کار می‌روند و در ذیل عنوان تفسیر اثری، از هر دو نمونه کتاب یاد می‌شود، درحالی که درحقیقت، این دو تفاوت جوهری دارند؛ چراکه کتاب تفسیر روایی تنها گردآوری

حدیث است، بدون جمع‌بندی روایات و اظهار نظر، ولی کتاب تفسیر اثری، مفسر بر پایه نقل و روایت به کشف مراد خداوند می‌پردازد (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۸).

۳. گونه‌های تقسیمات روایات تفسیری

مخاطبان اهل بیت علیهم‌السلام در روایات تفسیری متفاوت بوده‌اند؛ گاهی افراد ساده‌اندیش و گاهی حکیمان ژرف‌اندیش و گاهی افراد ملحد؛ بنابراین معصومان علیهم‌السلام در تفسیر آیات، متناسب با سطح فکری مخاطبان، گاهی به اسلوب علمی سنگین همچون براهین عقلی، استناد می‌جسته‌اند و گاهی نیز به تمثیل یا حتی تبیین مصداقی بسنده می‌کرده‌اند (تقوی دهاقانی، ۱۳۸۱، ص ۳۲). همچنین برخی روایات تفسیری مربوط به ظاهر و برخی مربوط به باطن، برخی تعیین مصداق و برخی مربوط به مفهوم کلی آیه هستند؛ برخی در جهت شأن نزول و برخی تاریخی‌اند و همچنین گونه‌های دیگر. تفاوت‌هایی که از نظر رویکردی یا کارکردی در روایات تفسیری وجود دارند از یک سوی، و مشکلاتی که در اثر عدم مرزبندی میان کارکردهای مختلف آنها پدید می‌آید، از سوی دیگر، برخی محققان و مفسران را بر آن داشت تا اقسام روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام را در تقسیم‌بندی‌هایی گردآورند (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۲۳۲؛ دیاری، ۱۳۹۱، ص ۱۲). تفاوت نگرش‌ها، رویکردها، مقسم‌ها و اموری از این دست، سبب شد تا دسته‌بندی‌های مختلف و گوناگونی از انواع روایات تفسیری ارائه گردد (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۴؛ رستم‌نژاد، ۱۳۹۰، صص ۱۴۷-۳۰۵؛ وحدتی شبیری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۴، صص ۱۱۴-۱۳۲). در مقاله حاضر ابتدا روایات تفسیری امام علی علیه‌السلام را با توجه به رویکردی که مفسران به آنها در تفسیر آیات دارند، به دو قسم «نقلی» و «تحلیلی» تقسیم خواهیم کرد (اقتباس از وحدتی شبیری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰)؛ سپس براساس تقسیماتی که برای روایات تفسیری شده است، به گونه‌شناسی روایات تفسیری امام علی علیه‌السلام ذیل هر یک از این دو قسم، خواهیم پرداخت.

۳-۱. گونه‌شناسی روایات تفسیری امام علی علیه‌السلام با رویکرد نقلی

مفسران به دسته‌ای از روایات تفسیری، رویکردی «نقلی» دارند و صرفاً به نقل آنها

(بدون ارائه هر گونه تحلیل و اظهار نظر) ذیل آیات مربوطه بسنده کرده‌اند (وحدتی شبیری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰). این دسته از روایات تفسیری امام علی علیه السلام را ذیل سه گونه می‌توان گرد آورد:

۳-۱-۱. ترسیم فضای نزول

مقصود از فضای نزول اموری هستند مانند: ۱. سبب نزول؛ یعنی حادثه یا سؤالی که موجب نزول آیه یا سوره‌ای شده است (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۲۶)؛ ۲. شأن نزول؛ یعنی مناسبت و جریانی درباره شخص یا احکام یا واقعه‌ای در گذشته، حال یا آینده (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰)؛ ۳. فرهنگ زمان نزول؛ یعنی اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی آداب و سنن و باورهای حاکم بر مردم در زمان نزول، ۴ و ۵. زمان و مکان نزول (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۱؛ بابی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴).

البته برخی با تفکیک فضای نزول قرآن از شأن نزول و جوّ نزول آن، فضای نزول را مربوط به یک سوره دانسته و جوّ نزول را مربوط به سراسر قرآن دانسته‌اند و در تعریف فضای نزول قرآن گفته‌اند: فضای نزول که مربوط به مجموع یک سوره است، بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای است که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۲۳۵-۲۳۶). مراد ما از فضای نزول در این مقاله معنای نخست است که براساس آن، فضای نزول معنای اعم دارد که شامل سبب نزول، شأن نزول، فرهنگ زمان نزول، زمان نزول و مکان نزول می‌شود.

نمونه‌هایی از روایات امام علی علیه السلام در ترسیم فضای نزول:

۱. امام علی علیه السلام فرمود: «شما را سوگند می‌دهم، آیا در میان شما کسی جز من هست که آیه "أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ" (توبه، ۱۹) درباره او نازل شده باشد؟ گفتند: نه» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۷؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۵۷). این روایت شأن نزول آیه را بیان می‌کند و اشاره به داستان مفاخره عباس بن عبدالمطلب و طلحه

بن شبیه در سقایه حاج و کلیدداری کعبه دارد. خداوند متعال در این آیه شریفه، فضیلت و برتری عمل امام علی علیه السلام که فرمود «من شش ماه پیش تر از سایرین به سوی قبله نماز خواندم و متصدی امر جهاد با دشمنان اسلام بودم» را بر سقایه حاج و کلیدداری کعبه بیان می کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳).

۲. امام علی علیه السلام در جمع مهاجرین و انصار در زمان عثمان فرمود: «شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که آیه "السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ" (واقعه، ۱۰-۱۱) در کجا نازل شده است؟ از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آنها پرسش شد، فرمود: خدای تعالی آن را درباره پیامبران و اوصیا نازل کرده است، من افضل انبیا و رسولانم و علی وصی من برترین اوصیا است. گفتند: به خدا سوگند! آری» (ابن بابویه، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۷۶؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۴۰۷) این روایت نیز اشاره به شأن نزول آیه شریفه دارد.

۳. امام علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که آیه شریفه "وَ أُنذِرَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ" (شعرا، ۲۱۴) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندان عبدالمطلب را دعوت کرد و به آنها فرمود: کدام یک از شما حاضر است برادر و جانشین من پس از من در بین خودتان باشد؟ و این را از آنان پرسید و همه از آن امتناع کردند تا اینکه به من رسید؛ پس من عرض کردم: من حاضریم، ای رسول خدا! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! این علی برادر و جانشین من پس از من در میان شماست...» (ابن بابویه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴، ص ۵۶۱؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۴۹۱). این روایت به شأن یا سبب نزول آیه شریفه اشاره دارد.

۴. حضرت علی علیه السلام فرمود: «شما را به خدا سوگند می دهم که در میان شما کسی جز من هست که درباره اش بر پیامبر صلی الله علیه و آله آیه تطهیر فرود آمده باشد: "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا" (احزاب، ۳۳) که رسول خدا صلی الله علیه و آله عباى خیر خود را برگرفت و مرا با فاطمه، حسن و حسین در زیر آن جای داد، سپس عرضه داشت: پروردگارا به راستی اینان خاندان من هستند، پلیدی را از ایشان ببر و آنها را کاملاً پاکیزه گردان. گفتند: به خدا سوگند! جز این نیست»

(ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۶۱؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۵۷). این روایت نیز علاوه بر بیان شأن و سبب نزول آیه، به زمان و مکان آن نیز اشاره دارد.

۵. در استدال حضرت علی علیه السلام در مقابل ابوبکر آمده است که فرمود: آیا ولایتی که در آیه بخشش انگشتر «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵)، آیا ولایتی که در آیه بخشش انگشتر، کنار ولایت خداوند و رسولش ذکر شده است، برای من است یا تو؟ ابوبکر گفت: بلکه برای تو است» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، صص ۵۴۹-۵۵۰؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۳۰). این روایت نیز به سبب و شأن نزول آیه اشاره دارد.

۳-۱-۲. ایضاح لفظی (تفسیر واژگانی)

در برخی روایات تفسیری امام علی علیه السلام، معنای واژگان آیه روشن گردیده است. این گونه روایات غالباً ذیل آیاتی هستند که ظاهر آیه و پیام آن روشن است و نیازی به توضیح بیشتر نیست؛ اما در معنای برخی واژگان آن ابهام وجود داشته است (مسعودی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۲۴؛ رستمی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹).

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی طولانی در تفسیر آیه «قَاتِلَهُمُ اللَّهُ أَنْتَى يُؤْفَكُونَ» (توبه، ۳۰)، فرمود: «یعنی خدا آنان را لعنت کند» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۸۸؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۸۳). در این روایت، واژه «قتال» به «لعنت» معنا شده است.
۲. امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن حدیثی می فرماید: «خداوند فرموده است "أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا" منظور (آیه هلاکت) اقوام گذشته است که با فعل نَنْقُصُ آورده است» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۸۸؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۸۱۵). فعل «نَنْقُصُ» از ریشه نقص و نقصان به معنای خسارت و زیان در بهره‌وری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۱).

۳. حضرت علی علیه السلام در پاسخ مردی که برخی آیات قرآن برایش مشتبه شده بود، فرمود: «منظور از (لقاء) همان (بعث) است؛ پس (بدان هر جا واژه «لقاء») در قرآن آمده، مراد همان «بعث» است و آیه "تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ" (احزاب، ۴۴) نیز بدین

معنی است: روزی که بر انگیزته می شوند» (ابن بابویه، بی تا، ص ۲۶۷؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۱۲۹).

۴. حضرت علی علیه السلام ذیل آیه «أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» (بقره، ۱۹) فرمود: «رعد» صدای فرشته و «برق» تازیانه اوست (ابن بابویه، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۵۲۷؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۹۷).

همچنین نک: عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۹۰۹ و ۹۶ و ۹۴، صص ۱۰۷ و ۱۲۶ و ۲۸۴ و ج ۶، صص ۴۷۱ و ج ۷، صص ۲۱۳ و ۲۱۵ و ۲۴۹ و ۴۹۱ و ج ۸، صص ۵۹ و ۱۹۳ و ۲۶۹ و ۶۶۹.

۳-۱-۳. ایضاح مفهومی

۱. ابن معمر نقل کرده است که علی بن ابی طالب علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَّ رَبِّيَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود، ۵۶) فرمود: «مقصود این است که خدا برحق است، خوبی را به خوبی پاداش می دهد و بدی را به بدی کیفر می دهد، آنچه را بخواهد می بخشاید، او پاک و منزّه است» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۵۱؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۱۳).

۲. حضرت علی علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی، به مردی که برخی آیات قرآن برایش مشتبه گردیده بود، فرمود: «و اما سخن خداوند "وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا" (مریم، ۶۴) همانا پروردگار ما بسیار بلندمرتبه است و کسی نیست که او فراموش کند، او غفلت نمی ورزد، بلکه او حفیظ و علیم است» (ابن بابویه، بی تا، ص ۲۶۰؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۷۱۷).

۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: معنای «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمُرْصَادِ» (فجر، ۱۴) آن است که آفریدگار تو قادر است که معاصی را مجازات نماید و سزای عمل آنان را بدهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۸۷؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۵۱۷).

۴. امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی سخن خدای تعالی «يَكْفُرُ بِغُضُّكُمْ بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بِغُضُّكُمْ بَعْضًا» (عنکبوت، ۲۵) را یادآور شد و فرمود: کفر در این آیه برائت و بیزاری است. خداوند می فرماید: پس بعضی از ایشان از برخی دیگر بیزاری می جویند،

مانند این آیه در سوره ابراهیم، گفتار شیطان است که خدا او را حکایت فرموده «إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أُشْرِكُكُمْ مِنْ قَبْلُ» (ابراهیم، ۲۲) و کلام حضرت ابراهیم خلیل الرحمان است که فرمود: «كَفَرْنَا بِكُمْ» (ممتحنه، ۴) یعنی ما از شما بیزاری می جوئیم (ابن بابویه، بی تا، ص ۲۶۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۸۴۵؛ همچنین نک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۲۸۹؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۵۳ و ج ۳، ص ۷۴۷ و ج ۴، صص ۳۱۱ و ۸۸۳ و فیض کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۸، صص ۵۴۷ و ۵۴۸).

۳-۲. گونه‌شناسی روایات تفسیری امام علی علیه السلام با رویکرد تحلیلی

برخی آیات قرآن به گونه‌ای هستند که برای فهم محتوا و پیام و پاره‌ای از جزئیات مربوط به مفاد آیه، نمی‌توان به خود آیه بسنده کرد و نیاز به مبین و مفسری غیر خود دارند، مانند جزئیات احکام، قصص قرآنی، تفاسیل معاد و غیره (وحدتی شبیری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴). برخی روایات تفسیری مبین این گونه آیات هستند؛ البته خود این روایات تفسیری نیز مورد تحلیل و تبیین مفسران قرار گرفته‌اند و صرفاً به نقل آنها بسنده نشده است؛ بنابراین از گونه روایات تفسیری با رویکرد تحلیلی به‌شمار می‌آیند (وحدتی شبیری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴). این دست از روایات خود دارای گونه‌های مختلفی هستند:

الف) تفسیر عقلی

یکی از روش‌هایی که امام علی علیه السلام در تفسیر قرآن به کار برده و با استفاده از آن روش، به تبیین و تفسیر برخی آیات پرداخته است، روش «تفسیر عقلی» است (ناصر، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). امام علیه السلام گاهی در تفسیر آیات قرآن، به ویژه آیاتی که مربوط به عقاید و اثبات توحید و یگانگی خداوند است، از براهین، اصول و قواعد عقلی استفاده کرده و از این طریق معنای آیه را روشن کرده و شک و ابهام را از بین برده است (علوی‌مهر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹). نمونه‌هایی از این دست روایات تفسیر امام علی علیه السلام در ادامه خواهد آمد:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ کسی که برخی آیات برایش مشتبه شده بود، فرمود: و اما سخن خداوند «وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»

پروردگار ما چنین است که چیزی از او پنهان نمی ماند و چگونه کسی که اشیا را آفریده است نمی داند (ابن بابویه، بی تا، ص ۵۴؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۸۵).
 در این روایت، حضرت علی علیه السلام با حد وسط قرارداد «آفریدگاری خداوند»، علم او به مجموعه «آفرینش»؛ یعنی تمام اشیا ریز و درشت در آسمان و زمین را اثبات می کند؛ چراکه هر معلولی (آفرینش) همواره در وجود و هستی خود به علت هستی بخش خویش نیازمند است؛ بنابراین خداوند متعال که آفریدگار تمام ذرات وجود «آفرینش» است، همواره در حال افاضه وجود به مجموعه آفرینش در آسمان و زمین است؛ از این رو هیچ چیز در آسمان و زمین از علم او غایب و پنهان نیست.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن حدیثی در پاسخ به سؤال مردی فرمود: «اما سخن خداوند متعال "لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ" (انعام، ۱۰۳) چنان که خود فرموده: چشم ها خدا را نمی بینند و گمان ها به طور کامل به او دست نمی یابند، "وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ" یعنی او بر آنها احاطه دارد» (ابن بابویه، بی تا، ص ۲۶۲؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۰۹). در این روایت، حضرت علیه السلام آیه «وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» را به احاطه داشتن خداوند متعال بر چشم ها، و از این طریق علم به مبصرات تفسیر کرده است؛ بنابراین ضمن اینکه خداوند سبحان را از ادراک حسی توسط چشم که ویژگی ادراکی نفوس حیوانی و انسانی است، منزّه می سازد، تبیینی عقلی از نحوه ادراک الهی ارائه می کند که همان احاطه و سیطره وجودی و علمی بر چشم ها و مبصرات است، یعنی از نوع علم حضوری، نه علم حصولی (نک: عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۴۳۷ و ۵۶۵ و ۶۰۳ و ۶۰۹ و ج ۳، صص ۳۸۵ و ج ۴، صص ۷۴۱ و ج ۷، ص ۵۴۳).

ب) تفسیر فقهی

شیوه قرآن بر این نبوده است که موضوعات تکلیفی و احکام را با تفصیل و جزئیات بیان کند، بلکه در غالب موارد به بیان اصل حکم فقهی بسنده کرده است و تبیین و تشریح آن را بر عهده سنت گذاشته است (ناصح، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴؛ مهدوی راد، ۱۳۸۲، ص ۴۲).

همچنین برخی آیات قرآن «نسخ» (برداشته شدن حکمی از احکام ثابت فقهی در اثر گذشت زمان و دوران آن) شده‌اند (خویی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۴۵). آگاهی از ناسخ و منسوخ آیات در میان فقها اهمیت ویژه‌ای در اسلام داشته و برخی علما تفسیر قرآن را برای کسی که ناسخ و منسوخ قرآن را نداند، غیرجایز دانسته‌اند (طالقانی، ۱۳۶۱، ص ۳۵۸). گونه‌ای از روایات تفسیری امام علی علیه السلام به تبیین احکام فقهی و حکمت آنها و نیز به بیان آیات ناسخ و منسوخ که شامل عام و خاص، مطلق و مقید، حکومت و شرط نیز می‌شوند، اختصاص دارد (خویی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۴۵). این دست از روایات تفسیری، در استنباط احکام فقهی لازم و ضروری‌اند و تفسیری فقهی از آیات قرآن به‌شمار می‌آیند.

۱. حضرت علی علیه السلام فرمود: «در کتاب خدا آیه‌ای است که کسی پیش و پس از من بدان عمل نکرد، آن آیه نجوا است. داستان چنین است که من یک دینار داشتم که به ده درهم فروختم و در هر بار که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نجوا می‌کردم، یک درهم را صدقه می‌دادم و فرمود: آیه نجوا «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مجادله، ۱۲) با آیه «أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مجادله، ۱۳) نسخ شد (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۵۷؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۵۲۵).

۲. یونس از حسن روایت کرده است: زنی را نزد عمر آوردند که بچه خود را شش ماهه به دنیا آورده بود. عمر قصد سنگسار زن را داشت که حضرت علی علیه السلام به او فرمود: اگر این زن با استفاده از قرآن دلیل بیاورد، بر تو چیره خواهد شد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف، ۱۵) و در جای دیگر می‌فرماید: «وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره، ۲۳۳). در نتیجه اگر مدت شیردادن کودک دو سال کامل، و حمل و از شیر گرفتنش سی ماه باشد، دوره بارداری، شش ماه خواهد بود. عمر با شنیدن این سخن، زن را رها کرد و این حکم بدین ترتیب ثابت شد و تا امروز از سوی

صحابه، تابعان و کسانی که این روایت را از آنان گرفته‌اند، اجرا می‌شود (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۹۲۷). حضرت علی علیه السلام در این روایت با کنار هم قراردادن دو آیه از قرآن، حکم مقدار زمان دوره بارداری (شش ماه) را بیان می‌کند.

۳. حضرت علی علیه السلام فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم: وقتی جیره روی عضو شکسته است، شخص چگونه وضو بگیرد و وقتی جنب شد، چگونه غسل نماید؟ حضرت فرمود: کشیدن آب بر روی جیره برای غسل و وضو کافی است، عرض کردم: اگر در سرما بود و از ریختن آب روی بدنش نسبت به جانش در هراس بود؟ حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء، ۲۹) (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۶؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۹؛ همچنین نک: ابن‌بابویه، بی‌تا، ص ۲۳۱ و عروسی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۳۶۹ و ۹۳۷ و فیض کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۵).

ج) تفسیر علمی و تجربی

برخی روایات تفسیری امام علی علیه السلام به مباحث علمی اشاره دارند. امروزه علوم تجربی، درستی این دست تفاسیر را تأیید و تصدیق می‌کنند (ناصح، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸).

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از آب باران بنوشید که تن را پاکیزه می‌کند و بیماری‌ها را از بین می‌برد؛ چرا که خدا تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهَّرَ بِهٖ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَيُبَيِّنَ بِهٖ الْأَقْدَامَ» (انفال، ۱۱) (ابن‌بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۶۳۶؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۴۱).

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام به اصحاب خویش در چهارصد بابی که شایسته دین و دنیای مؤمن است، فرمود: «برای زن حامله غذا و دارویی بهتر از خرماى تازه نیست. خدای تعالی به مریم فرمود: «وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّحْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَنِينًا» (مریم، ۲۵) (ابن‌بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۶۶۳؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۶۷۵).

۳. حضرت علی علیه السلام به اصحاب خود فرمود: «یک انگشت عسل شفای هر دردی است، خدای تعالی درباره آن فرموده است: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ

أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (نحل، ۶۹) (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۶۲۳؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۴۳).

د) تفسیر عملی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرآن مجسم بود؛ بنابراین اعمال و رفتار او تبیین و تفسیر عملی و عینی قرآن کریم است؛ همان گونه که همواره هنگام انجام اعمال خویش، به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌کرد. این دست روایات نشان‌دهنده تلاش حضرت علیه السلام در نهادینه کردن عمل به قرآن در میان مسلمانان و بهره‌گیری عملی آنان از آیات در زندگی روزمره خود دارد (جلالی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۲). روایاتی را که از تبیین عملی حضرت علیه السلام نسبت به آیات قرآن حکایات می‌کنند، گونه «تفسیر عملی» می‌نامند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰).

۱. روایت شده است امام علی علیه السلام جامه‌ای خرید که خیلی مورد پسند حضرت شد. آن را صدقه داد و فرمود: «از پیغمبر خدا شنیدم که هر که مالی را دوست بدارد و در راه خدا بدهد، در روز قیامت خدا به او گوید: مردم در دنیا نیکی‌های همدیگر را جبران می‌کردند و من در اینجا خود تو را با بهشت جبران می‌دهم (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ)» (آل عمران، ۹۲) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۹۳؛ عروسی حویزی، ج ۱، ص ۷۸۳).

۲. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: اما اعتراض شما درباره حکم قراردادن دیگری، با اینکه من خود از دیگران سزاواتر به حکم‌دادن هستم، این است که من در این باره نیز از رسول پیروی کرده‌ام، بدین معنی که آن حضرت در جنگ با بنی قریظه، حکمیت را به سعد بن معاذ داد و طرفین بر حکمیت و رأی او توافق کردند، حال آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله از همه به حکم و رأی‌دادن سزاواتر بود؛ خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) من نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق گرفتم (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۴۴؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۵۷).

ه) تفسیر تمثیلی

در برخی روایات تفسیری، امام علی علیه السلام به منظور آسان‌سازی و انتقال سریع مفاهیم به مخاطب، متناسب با سطح آگاهی و فهم وی، از عنصر تمثیل و همانندسازی و ارائه نمونه‌های عینی و حسی استفاده کرده است. یکی دیگر از اهداف استفاده از این روش، جلوگیری از سوء استفاده مغالطه‌گران و نیز مجاب کردن مخاطب بوده است؛ البته تعداد این گونه روایات تفسیری، بسیار اندک است، اما از نظر روش شناختی، بسیار اهمیت دارد (رستم‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

از سلمان فارسی در حدیثی طولانی روایت شده است پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، جاثلیق (بزرگ‌ترین روحانی مسیحی) همراه صد نفر مسیحی به مدینه آمد و از ابوبکر پرسش‌هایی کرد که وی نتوانست پاسخ صحیح گوید و به‌سوی امیرالمؤمنین علیه السلام راهنمایی شد. جاثلیق از آن حضرت سؤالاتی کرد و آن حضرت پاسخ داد. از جمله پرسش‌های وی پرسش از وجه ربّ بود. حضرت علی علیه السلام آتش و هیزم خواست و آن را روشن کرد و وقتی شعله کشید، فرمود: «وجه این آتش کجاست؟» نصرانی گفت: «جمع حدود و اطراف آتش وجه آن است». حضرت علی علیه السلام فرمود: «این آتش به دست دیگری درست شده و ساخته شده است؛ پس خود جهت خویش را نمی‌شناسد، ولی آفریننده این آتش شبیه آن نیست. (هر سو و جهتی را می‌شناسد) (وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ) (بقره، ۱۱۵) بر پروردگار ما هیچ امر پنهانی مخفی نمی‌ماند؛ بنابراین معنی آیه این است: «به هر جهت که توجه کنید، توجه و نگرش خدا همان جا است» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۷؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۶۵).

و) تفسیر متشابهات

لفظ متشابه، لفظی است که احتمال چندین معنا در آن وجود دارد؛ به همین سبب در معنای آن شک و شبهه ایجاد می‌گردد (جوان آراسته، ۱۳۸۳، ص ۳۲۲). قرآن بر وجود آیات متشابه در کنار آیات محکم، تصریح می‌کند و تأکید دارد که آگاهی از معنای درست

و قطعی آیات متشابه، صرفاً نزد خداوند متعال و راسخان در علم است (آل عمران، ۷). با توجه به روایاتی که راسخان در علم را بر اهل بیت علیهم السلام تطبیق می دهند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۵۷ و ج ۳۷، ص ۲۰۲)، مرجعیت علمی ایشان علیهم السلام در تفسیر آیات متشابه روشن و اثبات می گردد. امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»، علی علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام هستند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۲۰۸؛ حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۷، ص ۱۷۹)؛ از این رو برای فهم معانی آیات متشابه قرآن باید به روایات تفسیری امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام، ذیل آیات مزبور مراجعه کرد.

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «سخن خداوند "الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اَشْتَوَى" بدین معناست که تدبیرش مستقر گردید و کارش بالا گرفت (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۸۹؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۷۵۷).

۲. در روایت دیگری ذیل همین آیه شریفه از حضرت علیه السلام نقل شده است: سخن خدای تبارک و تعالی «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اَشْتَوَى» به این معنی است که تدبیر خداوند بر عرش چیره شد و امر او بالا گرفت (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۲۷؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۸۲۹). در این دو روایت، حضرت علیه السلام معنای جسمانی بودن خداوند و مکان و هیکل داشتن او را که از ظاهر آیه برداشت می شود، رد می سازد و معنای درست و صحیح آیه را بیان می کند.

ز) تبیین اشارات

براساس روایتی از امام صادق علیه السلام، آیات قرآن بر چهار گونه اند: عبارات، اشارات، لطائف و حقایق (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۱۰۳). «اشارات» به دلالت های التزامی، به ویژه دلالت های التزامی غیربیین گفته می شود (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۶۸) که مخصوص خواص عمق نگر و مجهز به ابزار و کلیدهای مخصوص تفسیر قرآن هستند (نقی پورفر، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶). برخی روایات تفسیری امام علی علیه السلام تبیین کننده «اشارات» قرآن است.

اصبغ بن نباته نقل کرده است حضرت علی علیه السلام بر قومی که بازی شطرنج می کردند، گذشت. فرمود: ما هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ؟ (انبیاء، ۵۲) شما

معصیت کردید خدا و رسولش را! قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (انبیاء، ۵۳) گفتند: پدران ما اینها را پرستیده‌اند، ما هم روش نیاکان خود را دنبال کرده‌ایم. چون دلیلی نداشتند، گفتند: تقلید از نیاکان کرده‌ایم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۴۳؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۸۸۹). در این روایت، حضرت علیه السلام با اشاره به آیه قرآن، افرادی را که سرگرم بازی شطرنج بودند، نکوهش کرده است.

ح) تفسیر رویدادی

در برخی روایات تفسیری، امام علی علیه السلام با توجه به برخی حوادث و رویدادهایی که پیش می‌آمده، یا سابقه تاریخی داشته‌اند، آیاتی از قرآن را یادآور می‌شدند و بیانی ذیل آن ایراد می‌کردند. این‌گونه روایات در تبیین و تفسیر مفاد آیات قرآن مفیدند؛ چراکه با تطبیق آیه بر یک رویداد و حادثه، معنای آیه را نیز روشن می‌سازند. این‌گونه روایات تفسیری را «تفسیر رویدادی» می‌نامیم؛ البته در برخی گونه‌شناسی‌ها بر روی این دست روایات، نام «تفسیر تاریخی» نهاده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱؛ ناصح، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱).

۱. حضرت علی علیه السلام در روز جنگ بصره، فرمود: به خدا اهل این آیه، تا امروز جنگ نکرده بودند و این آیه را تلاوت کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مانده، ۵۴) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۲۲؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۲۱).

۲. قدامه بن مظعون در ایام خلافت عمر، شراب خورد. عمر می‌خواست او را تازیانه زند. او گفت: «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مانده، ۹۳). عمر می‌خواست او را رها کند. علی علیه السلام فرمود: او را در میان اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله بگردانید. اگر آیه تحریم خمر را از احدی نشنیده است، او را آزاد کنید و اگر شنیده است، او را وادار به توبه کنید و تازیانه بزیند و اگر توبه نکرد، او را بکشید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۷۴؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸۷).

۳. حضرت علی علیه السلام فرمود: با پیامبر صلی الله علیه و آله روانه خبیر شدیم و به منطقه باتلاق رسیدیم، مردم گفتند: یا رسول الله، دشمن پشت باتلاق در پیش روی ماست (فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ) (شعراء، ۶۱) اکنون چه باید کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدایا! برای هر پیغمبر مرسلی، نشانه‌ای قرار داده‌ای، در این روز قدرت خود را به ما نشان بده. حضرت سوار شد و حرکت کرد. مردم با چهار پایان خود پشت سر او آمدند و حتی سم‌های حیوانات آنان خیس نشد (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۴؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۴۵۹).

۴. از حضرت علی علیه السلام درباره آیه «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» (عادیات، ۱) روایت شده است: آنها شترانی بودند که هنگام رفتن به جنگ بدر در رفتن و دویدن گردن‌هایشان را می‌کشیدند و آنها نفس می‌زدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۳۹؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۳۶۱).

۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای مردم! من شما را برای پیکار با دشمن ترغیب کردم نرفتید، به گوشتان خواندم نشنیدید، برایتان خیرخواهی کردم نپذیرفتید، آیا شما حاضران بسان غایب‌انید؟! مصالحتان را بر شما می‌خوانم، از آن روی می‌گردانید و با موعظه‌های رسا پندتان می‌دهم، اما می‌گریزید: «حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» (مدرثر، ۵۱) (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۷۸؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۱۰۷).

۶. از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد: در روز جنگ جمل، آنان تکبیر گفتند، ما هم تکبیر گفتیم، آنان لا اله الا الله گفتند، ما هم لا اله الا الله گفتیم، آنان نماز خواندند و ما هم نماز گزاردیم، پس براساس چه چیزی با آنان جنگیدیم؟! حضرت این آیه را قرائت کرد و فرمود: ما همان کسانی هستیم که خداوند فرمود: «لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلَلِ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ» (بقره، ۲۵۳) و فرمود: ما کسانی بودیم که ایمان آوردیم و آنان کسانی بودند که کافر شدند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۳۴).

۷. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: مردی که دشمن خدا و رسولش بود، بر آن حضرت گذشت، حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ

الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنظَرِينَ» (دخان، ۲۹)؛ سپس فرزندش حسین بر ایشان گذشت، فرمود: اما بر این فرزندم آسمان و زمین البته خواهند گریست و فرمود: گریه نکرد آسمان و زمین مگر بر دو نفر: یحیی بن زکریا و بر حسین بن علی (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۹۱؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۱۲۵).

ط) تفسیر قرآن به قرآن

«تفسیر قرآن به قرآن» از اولین روش‌ها در تفسیر قرآن به شمار می‌آید که در سیره پیامبر اسلام ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نیز به کار برده می‌شده است (تقوی دهاقانی، ۱۳۸۱، ص ۹۶). در این روش، فهم مفاد برخی آیات قرآن از طریق برخی دیگر حاصل می‌شود و با استناد به آیه‌ای از قرآن، معنای آیه‌ای دیگر روشن می‌گردد (جوادی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۹۵).

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ضمنی حدیثی می‌فرماید: خداوند افراد مبتلا به کفر را از دسترسی به مقام انبیا و اولیا بازداشته، و آن در خطاب به ابراهیم علیه‌السلام مشهود است: «لَا يَتَأَلَّ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴) و مراد از «الظَّالِمِينَ» در این آیه، مشرکان‌اند؛ زیرا در آیه‌ای دیگر، شرک را ظلم بزرگ خوانده است: «إِنَّ الشُّرُوكَ لظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳)؛ چون ابراهیم علیه‌السلام دریافت عهد خداوند متعال بر امامت، به بت پرستان نمی‌رسد و گفت: «وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابرهیم، ۳۵) (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۵۱؛ عروسی حویزی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۷۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به کارکردهای متفاوت روایات تفسیری امام علی علیه‌السلام، آنها را در گونه‌های مختلفی می‌توان دسته‌بندی و بازشناسی کرد. گونه‌های به‌دست‌آمده از بررسی روایات تفسیری امام علی علیه‌السلام تقریباً شامل تمام گونه‌هایی است که محققان برای اقسام روایات معصومان علیهم‌السلام بیان کرده‌اند. این مسئله خود از اهتمام جدی حضرت علی علیه‌السلام در تبیین و تفسیر آیات قرآن به گونه‌های مختلف و روش‌ها و رویکردهای گوناگون حکایت دارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۰۱ق). من لا یحضره الفقیه. بیروت: دارالتعارف.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. قم: موسسه نشر اسلامی.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق). علل الشرائع. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). الخصال (چاپ چهارم). قم: موسسه نشر اسلامی.
۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (بی تا). التوحید. قم: موسسه نشر اسلامی.
۶. ابن فارس، احمد. (۱۳۹۰). ترتیب مقایس اللغه (چاپ دوم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بابایی، علی اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی و رجبی، محمود. (۱۳۷۹). روش شناسی تفسیر قرآن. تهران: سمت.
۸. تقوی دهاقانی، حسین. (۱۳۸۱). روش شناسی اهل بیت علیهم السلام در تفسیر، تاویل و تطبیق قرآن. قم: موسسه فرهنگ منہاج.
۹. جلالی کندری، سهیلا؛ امینی، فریده. (۱۳۹۳). گونه شناسی روایات امام حسن مجتبی در تفسیر قرآن کریم. فصلنامه علمی پژوهشی حدیث، ۶(۱۱)، ص ۲۵۲.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). قرآن در قرآن (چاپ هفتم). قم: مرکز نشر اسراء.
۱۲. جوان آراسته، حسین. (۱۳۸۳). درسنامه علوم قرآنی (چاپ یازدهم). قم: بوستان کتاب.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.
۱۴. خوئی، ابوالقاسم؛ هاشم زاده هریسی، نجمی. (۱۳۸۲). بیان در علوم و مسائل کلی قرآن. تهران: وزارت ارشاد.
۱۵. دیاری بیدگلی، محمد تقی. (۱۳۹۱). آسیب شناسی روایات تفسیری. تهران: سمت.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
۱۷. رامیار، محمود. (۱۳۶۹). تاریخ قرآن (چاپ سوم). تهران: امیرکبیر.
۱۸. راوندی، سعید بن عبدالله. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: موسسه الامام المهدی علیه السلام.
۱۹. رجبی، محمود. (۱۳۸۳). روش تفسیر قرآن. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۰. رستم‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۸). گونه‌شناسی روایات تفسیری. مجله حسنا، (شماره ۱)، ص ۱۲.
۲۱. رستم‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۰). پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله.
۲۲. رستمی، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان: رشت: کتاب مبین.
۲۳. رضائی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۰). درسنامه روش‌های تفسیر قرآن (منطق تفسیر قرآن). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۳۶۴). الاتقان فی علوم القرآن. قم: انتشارات منشورات رضی، بیدار.
۲۵. شوشتری، نورالله. (۱۴۰۹ق). احقاق الحق و ایزهاق الباطل، مقدمه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۲۶. طالقانی، عبدالوهاب. (۱۳۶۱). علوم قرآنی. قم: دارالقرآن الکریم.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۹. طبرسی، ابی‌منصور احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. مشهد: نشر المرتضی.
۳۰. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۳۹۱). ترجمه تفسیر نورالثقلین (مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی و دیگران، چاپ سوم). قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۳۱. علوی‌مهر، حسین. (۱۳۸۴). روشها و گرایشهای تفسیری. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر عیاشی. تهران: چاپ خانه علمیه.
۳۳. فیض کاشانی، محسن. (۱۳۸۸). ترجمه تفسیر صافی (مترجمان: عبد الرحیم عقیقی بخشایشی و دیگران، چاپ ششم). قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۳۴. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (چاپ ششم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر قمی (محقق: سیدطیب موسوی جزایری، چاپ چهارم). قم: دار الکتب.
۳۶. کلینی، یعقوب. (۱۳۶۲). روضه کافی (محققان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۴). درآمدی بر تفسیر جامع روایی (چاپ دوم). قم: دارالحديث.
۳۹. مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۹۵). تفسیر روایی جامع. قم: موسسه فرهنگی دارالحديث.
۴۰. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران (مترجمان: خیاط و نصیری). قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۴۱. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۱). علوم قرآنی (چاپ چهارم). قم: موسسه فرهنگی التمهید.
۴۲. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۵). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب. مشهد: الجامعه الرضويه للعلوم الاسلامیه.
۴۳. مفید، محمد بن محمد بن النعمان العکبری. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله. قم: موسسه آل بیت (ع).
۴۴. مهدوی راد، محمدعلی. (۱۳۸۲). آفاق تفسیر، مقالات و مقولاتی در تفسیرپژوهی. تهران: هستی نما.
۴۵. مهریزی، مهدی. (۱۳۸۹). روایات تفسیری شیعه؛ گونه شناسی و حجیت. مجله علوم حدیث، ۱۵(۱)، ص ۱۱.

۴۶. مؤدب، سیدرضا. (۱۳۹۰). مبانی تفسیر قرآن (چاپ دوم). قم: انتشارات دانشگاه قم.
۴۷. ناصح، علی احمد. (۱۳۸۷). اعتبار و کاربرد روایات تفسیری. قم: بوستان کتاب.
۴۸. نقی پورفر، ولی الله. (۱۳۸۱). پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن (چاپ چهارم). تهران: اسوه.
۴۹. وحدتی شییری، زینب. (۱۳۹۲). تحلیل گونه‌شناسی روایات تفسیری معصومین. فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاع‌رسانی (حدیث اندیشه)، (شماره ۱۵)، ص ۱۸۰.

References

* The Holy Qur'an

1. Alawi Mehr, H. (1384 AP). *Interpretive methods and tendencies*. Qom: World Center for Islamic Sciences. [In Persian]
2. Arousi Hoveizi, A. (1391 AP). *Translation of Tafsir Noor al-Thaqalin*. (Aghighi Bakhshaishi, A. et al. Trans., 3rd ed.). Qom: Navid Islam Publishing Office. [In Persian]
3. Ayashi, M. (1380 AP). *Tafsir Ayashi*. Tehran: Islamic Seminary Publications. [In Persian]
4. Babaei, A. A., & Azizi Kiya, Q. A., & Rouhani Rad, M., & Rajabi, M. (1379 AP). *Methodology of Quran Interpretation*. Tehran: Samt. [In Persian]
5. Diyari Bidgoli, M. T. (1391 AP). *Pathology of interpretive narrations*. Tehran: Samt. [In Persian]
6. Feiz Kashani, M. (1388 AP). *Translation of Tafsir Safi*. (Aghighi Bakhshaishi, A. et al, Trans., 6th ed.). Qom: Navid Islam Publishing Office. [In Persian]
7. Hor Ameli, M. (1416 AH). *Tafsil Wasa'il al-Shia ila Tahsil Masa'il al-Shariah*. Qom: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
8. Ibn Babewayh Qomi, M. (1401 AH). *Man la Yahzar al-Faqih*. Beirut: Dar al-Ta'arof. [In Arabic]
9. Ibn Babewayh Qomi, M. (1405 AH). *Kamal al-Din va Tamam al-Na'amah*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
10. Ibn Babewayh Qomi, M. (1408 AH). *Ilal al-Shara'e*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
11. Ibn Babewayh Qomi, M. (1414 AH). *Al-Khasal*. (4th ed.). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
12. Ibn Babewayh Qomi, M. (n.d.). *Al-Tawhid*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
13. Ibn Faris, A. (1390 AP). *Tartib Maqa'is al-Loqah*. (2nd ed.). Qom: Research Institute and for Hawzah and University. [In Persian]

14. Jalali Kondori, S., & Amini, F. (1393 AP). Typology of Imam Hassan Mojtaba's narrations in the interpretation of the Holy Quran. *Journal of Hadith*, 6(11), p.252. [In Persian]
15. Javadi Amoli, A. (1386 AP). *Quran in Quran*. (7th ed.). Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
16. Jawadi Amoli, A. (1378 AP). *Tafsir Tasnim*, Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
17. Jawan Arasteh, H. (1383 AP). *Textbook of Quranic Sciences*. (11th ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
18. Khoei, A., & Hashemzadeh Harisi, N. (1382 AP). *Speech in the sciences and general issues of the Qur'an*. Tehran: Ministry of Guidance. [In Persian]
19. Koleyni, Y. (1362 AP). *Roza Kafi*. (Ghaffari, A. A., & Akhoondi, M, Trans. 4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
20. Ma'arefat, M. H. (1379 AP). *Interpretation and interpreters*. (Khayyat., & Nasiri, Trans.). Qom: Al-Tamhid Cultural Institute. [In Persian]
21. Ma'arefat, M. H. (1381 AP). *Quranic Sciences*. (4th ed.). Qom: Al-Tamheed Cultural Institute. [In Persian]
22. Ma'arefat, M. H. (1385 AP). *Al-Tafsir va al-Mufaseroun fi Tawbah al-Qushayb*. Mashhad: Al-Radwiyah Society for Islamic Sciences. [In Persian]
23. Mahdavidrad, M. A. (1382 AP). *Afagh Tafsir, articles and categories in interpretation studies*. Tehran: Hasti Nama. [In Persian]
24. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar Al-Jame'a Le Dorar Akhbar al-A'emah al-Athar*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
25. Masoudi, A. (1395 AP). *Comprehensive narrative interpretation of the Qur'an*. Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute. [In Persian]
26. Mehrizi, M. (1389 AP). Shiite interpretive narrations; Typology and evidence. *Journal of Hadith Sciences*, 15(1), p.11. [In Persian]
27. Mo'adab, S. R. (1390 AP). *Fundamentals of Quranic Interpretation*. (2nd ed.). Qom: Qom University Press. [In Persian]

28. Mohammadi Reyshahri, M. (1394 AP). *An Introduction to Comprehensive Narrative Interpretation*. (2nd ed.). Qom: Dar al.Hadith. [In Persian]
29. Mufid, M. (1413 AH). *Al-Irshad fi Ma'arefah Hojajallah*. Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
30. Naqipourfar, W. (1381 AP). *Research on Contemplation in the Qur'an*. (4th ed.). Tehran: Osweh. [In Persian]
31. Naseh, A. A. (1387 AP). *Validity and application of interpretive narrations*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
32. Qomi, A. (1367 AP). *Tafsir Qomi*. (Mousavi Jazayeri, S. T. Ed. 4th ed.). Qom: Dar AL.Kitab. [In Persian]
33. Qorashi, S. A. A. (1371 AP). *Quran Dictionary*. (6th ed.). Tehran: Dar al. Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
34. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Al-Mufradat fi Qarib al-Qur'an*. Damascus, Beirut: Dar AL.Ilm AL.Dar AL.Shamiya. [In Arabic]
35. Rajabi, M. (1383 AP). *Method of interpreting the Quran*. Qom: Research Institute and University. [In Persian]
36. Ramyar, M. (1369 AP). *History of Quran*. (3rd ed.). Tehran: Amirkabir. [In Persian]
37. Ravandi, S. (1409 AH). *Al-Kharaj va al-Jara'eh*. Qom: Imam AL.Mahdi Institute. [In Arabic]
38. Rezaei Esfahani, M. A. (1390 AP). *Textbook of Quranic Interpretation Methods*. (Logic of Quranic Interpretation). Qom: ALMustafa International Center for Translation and Publishing. [In Persian]
39. Rostami, A. A. (1380 AP). *Pathology and methodology of the interpretation of the infallibles*. Rasht: Mobin book. [In Persian]
40. Rustamnejad, M. (1388 AP). Typology of interpretive narrations. *Hosna Magazine*, (No. 1), p.12. [In Persian]
41. Rustamnejad, M. (1390 AP). *A comparative study on the interpretive narrations of the two sects*. Qom: International Center for Translation and Publishing Mustafa. [In Persian]

42. Shoushtari, N. (1409 AH). *Ihqaq al-Haqq va Izhaq al-Batil, Introduction by Ayatollah Marashi Najafi*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Public Library. [In Arabic]
43. Siouti, A. (1364 AP). *Al-Atqan fi Ulum al-Qur'an*. Qom: Razi Bidar Publications. [In Persian]
44. Tabarsi, A. (1403 AH). *Al-Ihtijaj. Mashhad*: ALMurtada Publications. [In Arabic]
45. Tabarsi, F. (1372 AP). *Al-Bayyan Fi Tafsir Al-Quran*. (3rd ed.). Tehran: Nasser Khosrow Publications. [In Persian]
46. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
47. Taghavi Dehaghani, H. (1381 AP). *Ahl al-Bayt methodology: in the interpretation, interpretation and application of the Qur'an*. Qom: Minhaj Culture Institute. [In Persian]
48. Taleghani, A. (1361 AP). *Quranic sciences*. Qom: Dar al-Quran al-Karim. [In Persian]
49. Vahdati Shobeiri, Z. (1392 AP). Typological analysis of the interpretive narrations of the The 14 Infallibles. *Scientific Research Quarterly Journal of Information (Hadith of Thought)*, No. 15, p. 180. [In Persian]